



همکاران
سیستم



میزگرد

حسابداران و چالش‌های مالیاتی

۲۰ آذر، ساعت ۱۳ تا ۱۵



دکتر کتایون تفرشی
مدرس و مشاور مالیاتی



دکتر مهدی غریب
مدرس دانشگاه و
سامانه‌های مالیاتی



دکتر فاطمه هادلوند
مشاور رسمی مالیاتی
دبیر کل انجمن
مدیران مالی حرفه‌ای ایران



محمد قبول
عضو شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران
عضو کارگروه مالیاتی جامعه حسابداران رسمی
کارشناس رسمی دادگستری



دکتر حمید خادم
مشاور رسمی مالیاتی
حسابدار رسمی
کارشناس رسمی دادگستری



سید علی سرحدی
مشاور مالی و مالیاتی

systemgroup.net

مهمانان میزگرد:

- **حمید خادم:** مشاور رسمی مالیاتی و کارشناس رسمی دادگستری
- **سید محمد باقر آبادی:** دبیر کل انجمن حسابداران خبره ایران
- **فاطمه هادلوند:** دبیر کل انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران، مشاور مالیاتی
- **محمد قبول:** حسابدار رسمی، عضو شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران و کارشناس رسمی دادگستری
- **کتایون تفرشی راد:** مدرس و مشاور مالیاتی
- **مهدی غریبه:** مدرس دانشگاه و مدرس نرم‌افزارهای مالیاتی
- **سیدعلی سرحدی:** مدرس و مشاور مالیاتی و نماینده انجمن حسابداران خبره در هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی

سارا کیانی: آقای غریب لطفاً یک تاریخچه مختصر از قانون ایجاد پایانه‌های فروشگاهی بفرمایید؟

مهدی غریب: عقبه موضوع پایانه‌های فروشگاهی و صندوق‌های مکانیزه فروش به حدود دو دهه قبل یعنی سال ۱۳۸۲ برمی‌گردد که مقرر شد اتاق اصناف ایران این موضوع را اجرایی کند و به هر طریقی انجام نشد. مجدداً در سال ۱۳۹۲ وزارت بازرگانی وقت، قرار بود این قانون را اجرا کند که به علت نبود برخی زیرساخت‌ها باز هم اجرا نشد. در تبصره ۲ ماده ۱۶۹ ق.م.م نیز این موضوع را در سال ۱۳۹۴ تصویب کرد و در سال ۱۳۹۹ اولین بخشنامه آن برای ۱۵ گروه از فعالان اقتصادی از جمله پزشکان صادر شد. در نهایت در سال ۱۳۹۸ قانون پایانه‌های فروشگاهی تصویب

شد. در آن زمان در این قانون مصوب شد که ۱۵ ماه بعد از مهرماه همان سال این قانون اجرایی شود که مصادف با اول اسفند ۱۳۹۹ خواهد بود که تا سه ماه بعد باید کاملاً اجرایی می‌شد. در ابتدا قوانینی که در سال ۸۲ و ۹۲ تصویب شد اکثراً مربوط به مشاغل خرد بود اما قانون جدید علاوه بر آن مربوط به شرکت‌های بزرگ نیز می‌شود که در بحث سامانه مؤدیان و پلتفرم آن پیش‌بینی شده است. بحث قوانین مربوط به پایانه‌های فروشگاهی نیز بیشتر با مشاغل خرد ارتباط دارد.

سارا کیانی: آقای قبول به‌طور مختصر توضیح دهید که در خصوص مقررات مالیاتی مربوط به صادرات و واردات چه قوانینی وجود دارد؟

محمد قبول: از ابتدای سال ۹۷

و بعد از جهش ارزی در آن زمان، مقررات شدیدی درخصوص ارز ایجاد شد و از اردیبهشت ۱۳۹۷ صادرکنندگان مکلف شدند تمام ارزش‌های صادراتی را طبق سازوکارهایی به چرخه اقتصادی کشور برگردانند. به مرور، قوانین دیگری در زمینه تخصیص ارز مربوط به واردات و موضوعات دیگر اضافه شد که شرایط را کمی پیچیده و سخت کرد. این موضوعات چالش‌های زیادی را برای کسب‌وکارها ایجاد کرد از جمله اینکه در زمینه صادرات و واردات خدمات تخصیص ارز، بانک مرکزی با چالش‌هایی روبرو شد. این موضوع موجب شد که شرکت‌ها فعالیت‌هایی را خلاف قانون اما برای بقای کسب‌وکار خود انجام دهند. در حال حاضر نیز اگر یک شرکت خارجی چینی از شما درخواست پیش‌پرداخت کند، شما نمی‌توانید پیش‌پرداختی بپردازید



۳۰۰ هزار نفر جمعیت باشند. یعنی اگر این حریم را رعایت نکنند این مشوق به آنها تعلق نمی‌گیرد. فقط یک استثنا هم دارد و آن اینکه در شهرهای بالای ۳۰۰ هزار نفر جمعیت و اصفهان بود، اگر داخل شهرک صنعتی یا مناطق ویژه اقتصادی باشند، آن محدودیت ۳۰ و ۵۰ کیلومتر نیز برداشته می‌شوند.

سارا کیانی: خانم هادلوند شما توضیح مختصری درخصوص تغییرات قانون ارزش افزوده بدهید؟

هادلوند: سال ۱۳۸۷ بحث قانون آزمایشی ارزش افزوده تصویب شد و بعد از چند ماه اجرایی شد. بنا بود این قانون ۵ سال آزمایشی اجرا شود که ۱۳ سال به طول انجامید. هم در متن قانون و هم در رویه اجرایی محدودیت‌هایی وجود داشت. به فراخور اینکه بخش خصوصی همواره معترض این قانون بود و به دلیل

می‌گیرد و به افراد حقیقی چه در قانون قدیم و چه در اصلاحیه سال ۱۳۹۴ تعلق نمی‌گیرد. خود اشخاص حقوقی باید غیردولتی باشند و کمتر از ۵۰ درصد سهام آنها به دولت تعلق داشته باشد. تعاونی‌ها هم می‌توانند از این مشوق استفاده کنند. این مشوق در قانون قدیم برای آن دست کسب‌وکارهایی که پروانه تولیدشان قبل از ۱۳۹۵ است، به شرکت‌های تولید، معدنی و تأسیسات گردشگری تعلق می‌گرفت اما از آن تاریخ به بعد به شرکت‌های تولیدی، معدنی و برخی خدماتی‌ها نیز مانند بیمارستان‌ها یا تأسیسات گردشگری، واحدهای فناوری اطلاعات و موارد دیگر تعلق می‌گیرد. نکته مهم در این خصوص بحث محدودیت متراژ است. چرا که زمانی این مشوق به واحدهای تولیدی و صنعتی تعلق می‌گیرد که خارج از حریم ۱۲۰ کیلومتری و ۵۰ کیلومتری اصفهان و خارج از حریم ۳۰ کیلومتری شهرهای بالای

یا ارائه دهید چرا که از یک طرف انتقال وجه غیرقانونی است و از طرف دیگر تا پیش فاکتور قطعی نشود نمی‌توانید انتقال ارز را پیش ببرید. این موضوعات چالش‌های مختلفی را برای مالیات شرکت‌ها ایجاد کرده است.

سارا کیانی: آقای خادم شما درخصوص افرادی که قصد دارند از مشوق ماده ۱۳۲ ق.م.م استفاده کنند توضیح دهید؟

خادم: آیین‌نامه اجرایی این موضوع قابل فهم و ساده است اما به دلیل آثار بااهمیتی که بر روی کسب‌وکارها دارد، ظرافت‌هایی دارد که حتماً باید به آن توجه کنیم. حتی برخی کسب‌وکارها هستند که شاید اگر مشوق به آنها تعلق نگیرد، توجیه اقتصادی نداشته باشند. بنابراین اهمیت بسیار بالایی دارد. درخصوص افراد مشمول باید گفت که فقط به افراد حقوقی تعلق

ابهاماتی که این قانون داشت، این موضوعات به قانون‌گذار ارائه شد. بنابراین در قانون ارزش افزوده سعی بر این شد که این مشکلات و محدودیت‌ها رفع شود. تغییرات متعددی هم چه در حوزه تعاریف، محدودیت‌ها، شمول مالیات ارزش افزوده و دادرسی مالیاتی تغییراتی اعمال شد که در ادامه برنامه به مهم‌ترین آنها برای حسابداران اشاره می‌کنیم.

سارا کیانی: خانم تفرشی شما لطفاً در خصوص تغییرات فرایند دادرسی مالیاتی توضیح می‌دهید؟

تفرشی: با توجه به ق.م.د در سال ۱۳۹۸ بحث علی‌الرأس به‌طور کامل کنار رفت، بنابراین مواد قانونی که باتوجه به این تغییرات وجود دارد

بسیار بااهمیت است. از جمله مواد مهم می‌توان به ماده ۲۳۸ تا ۲۵۱ مکرر ق.م.د اشاره کرد که مؤدیان باید با آخرین تغییرات پیش بروند.

سارا کیانی: آقای سرحدی شما هم لطفاً در مورد مقررات ماده ۱۶۹ ق.م.د توضیح دهید؟

سرحدی: بحث گزارش معاملات فصلی و ارسال آن، موضوع ماده ۱۶۹ است. اشخاص مؤدی براساس این ماده مکلف هستند که فهرست معاملات خود را که در یک فصل انجام داده‌اند در پایان فصل یا حداکثر تا یک ماه و نیم بعد از آن برای سازمان امور مالیاتی ارسال کنند. این تکلیف درواقع در راستای تکمیل اطلاعات سازمان امور مالیاتی برای شناسایی مؤدیان مالیاتی، فعالیت اقتصادی

آنها، محاسبه و مطالبه مالیات است. یک آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ ماده ۱۶۹ وجود دارد که بسیاری از ضوابط اجرایی معاملات فصلی در این آیین‌نامه آمده است. افراد مشمول ارسال گزارشات فصلی طبق ماده ۹ این آیین‌نامه کلیه اشخاص حقوقی و صاحبان مشاغل گروه اول هستند که موظف هستند تا پایان هر فصل فهرست معاملات فصلی خود را برای سازمان ارسال کنند. البته بحث گزارشات فصلی، یک بحث قانونی دارد و یک بحث اجرایی که در ادامه به مباحث اجرایی آن نیز اشاره می‌کنیم.

سارا کیانی: آقای باقرآبادی شما هم لطفاً در مورد استاندارد ۳۵ مقدراری توضیح دهید و آیا اساساً استاندارد مفیدی است؟



باقر آبادی: بله بسیار مفید است و به نظرم مترقی‌ترین استاندارد حسابداری است که در ادامه در مورد اجرای آن در ایران صحبت می‌کنیم. اما یک استاندارد بسیار قدیمی وجود دارد که پیشینه آن به دهه ۳۰ میلادی در آمریکا برمی‌گردد که در آن زمان هنوز استانداردها در fasb هم نبود و به‌عنوان apb مطرح می‌شد. بنابراین استاندارد جزو اولین استانداردهایی بود که در دهه ۷۰ میلادی با تأسیس کمیته تدوین استانداردهای بین‌المللی هم تصویب شد. این استاندارد برای ما حسابداران بسیار مفید است، چرا که یکی از مشکلات حسابداران این است که آموزه‌های دانشگاهی و قوانین مالیاتی با هم در بسیاری مواقع تضاد دارند و کار این استاندارد این است که این تضاد را برطرف کند. این رویه صرفاً مربوط به ایران نیست و در تمام دنیا وجود دارد و ریشه قدیمی دارد و استانداردهای مالیاتی با ق.م.م در برخی مواقع با هم تضاد دارند. این موضوع طبیعی است چرا که استفاده‌کننده این دو، متفاوت است. ما در حسابداری اطلاعات را برای سرمایه‌گذاران تهیه می‌کنیم که نیاز اطلاعاتی آنها موارد خاصی است. از جمله اینکه سود، سود قابل تقسیم درست محاسبه شود و سرمایه‌گذار بتواند سود خود را از سرمایه‌گذاری متناسب با چیزی که حق آن است برداشت کند اما ق.م.م برای دولت است که بتواند

میزان مالیات را محاسبه و مطالبه کند. این تفاوت در اهداف باعث می‌شود در برخی مواقع تضاد به وجود آید که کار این استاندارد برطرف کردن این تضاد است. بنابراین نه تنها مفید است بلکه در بسیاری مواقع بسیار ضروری است.

سارا کیانی: دوستان همگی موافق هستید؟

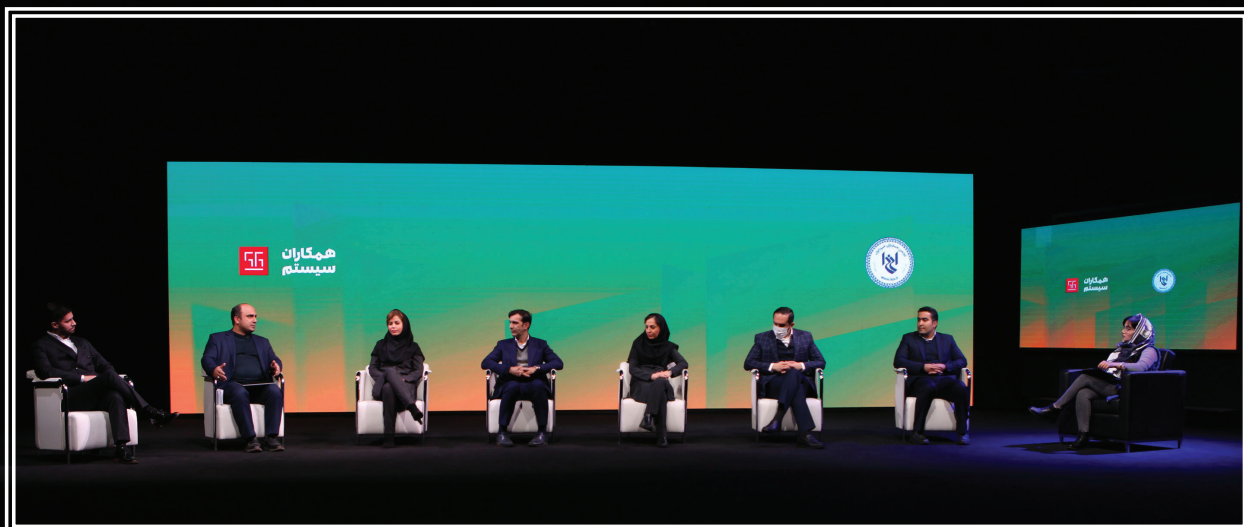
خادم: ببینید استانداردها مفید هستند چرا که کمک می‌کنند تا آن استفاده‌کننده از صورت‌های مالی بهره لازم را ببرد اما معایبی نیز دارد. درواقع می‌بایست از قبل در زیرساخت ق.م.م پیش‌بینی می‌شد. اساساً فلسفه یک سال تأخیر نسبت به سایر استانداردهای مصوب سال ۱۳۹۷ نیز همین بود. درواقع می‌بایست آیین‌نامه تحریر دفاتر ماده ۹۵ اصلاح می‌شد، دستورالعمل تعدیلات سنواتی اصلاح می‌شد، همچنین باید در آیین‌نامه ۲۱۹ این موضوع پیش‌بینی می‌شد که حداقل افرادی که این استاندارد را اجرا می‌کنند تا صورت‌های مالی مطلوبی را ارائه بدهند، متضرر نشوند. کما اینکه سازمان امور مالیاتی همکاری خوبی را انجام داده است و در اظهارنامه‌ها نیز پیش‌بینی کرده است اما واقعاً هنوز بدنه اجرایی سازمان اجرایی آماده نیست. چرا که بدنه اجرایی به صورت شکلی برخورد می‌کند نه ماهوی. یعنی تی اگر فردی

هم که در هیئت نشسته است بخواهد ماهوی با موضوع برخورد کند، نمی‌تواند. در نتیجه اگر زیرساخت آن آماده می‌شد، شاید آن مطلوبیتی که مدنظر تدوین‌کننده استاندارد بود برای ذی‌نفعان از جمله تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی نیز واقعاً کسب می‌شد.

باقر آبادی: حالا بعداً در مورد نکات اجرایی هم صحبت می‌کنیم اما خود استاندارد فی‌النفسه بسیار بسیار مفید است. ما متأسفانه در ایران به یک نقطه بی‌تفاوتی درخصوص استانداردها نزدیک می‌شویم. یعنی داشتن استانداردهایی که اجرا نمی‌کنیم و هیچ‌کجا هم بازخواست نمی‌شویم و این بسیار بد است. درواقع رعایت نکردن قانون برای ما بسیار عادی شده است. حالا در ادامه در مورد اجرای آن با دوستان صحبت می‌کنیم.

سارا کیانی: آقای غریب درخصوص قانون پایانه‌های فروشگاهی لطفاً بفرمایید از چه تاریخی دقیقاً لازم‌الاجرا است و افراد مشمول آن چه کسانی هستند؟

غریب: براساس این قانون که حدود ۲۰ سال از آن گذشته است، درواقع قرار بود که برای کلیه اشخاص حقوقی و هر سه گروه مشاغل از خرداد ماه سال ۱۴۰۰ اجرایی شود. به اعتقاد ما این



قانون یک چیز جدید و نوآورانه است. اجرا کردن آن نیاز به بلوغ اجتماعی دارد. یعنی شرکت‌ها و مشاغل نسبت به آن شناخت اولیه داشته باشند. اجرا کردن این قانون مثل این است که از فردا بگوییم هیچ فردی حق ندارد با ماشین بنزینی به خیابان بیاید و باید با ماشین برقی بیایند یا مثل این است که بگوییم از فردا هیچ فردی حق ندارد در معاملات خود به زبان فارسی صحبت کند و باید آلمانی صحبت کند. پیشنهاد سازمان در این خصوص این بوده که به شکل مرحله‌ای و به شکل فراخوان انجام شود. همچنان که فراخوان‌ها از اول آبان ماه امسال شروع شده و برای شرکت‌های بورسی اتفاق افتاده. قرار است از اول دی ماه برای شرکت‌های دولتی و از ابتدای ۱۴۰۲ نیز برای تمام اشخاص حقوقی اجرایی شود. سپس در ادامه نهایتاً در دی ماه سال بعد برای تمام

مشاغل گروهی اجرایی شود.

سارا کیانی: الآن به این بلوغ چه امتیازی می‌دهید؟

غریب: در تعریفی که به کار می‌برند، به رویدادهای برافکن اشاره می‌کنند. یعنی رویدادهایی که برای حسابداران اتفاق می‌افتد، قرار است کسب‌وکار جدیدی به وجود آید. روش‌های حسابداری که در بحث نگهداری حساب‌ها بوده عوض می‌شود. بحث قانون ماده ۱۶۹ قرار است حذف شود. در بحث فقط صدور صورت حساب مکلف به فاکتور فروش شخصی خود می‌شود و برای خرید دیگر درگیر نیست. بحث شناسایی و شفاف‌سازی اتفاق می‌افتد که یکی از چالش‌های بزرگ حسابداران در این زمینه بوده است. در بحث مشاوره مالیاتی، مشاوره‌های مدرن مالیاتی به وجود می‌آید. درواقع

رویدادهای برافکن به این معنی است که سیستم جدیدی با اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی ایجاد می‌شود. این بلوغ هنوز کامل نیست. حتی هنوز شرکت‌های بزرگ نیز آماده نیستند. شاید حدود ۱۰ الی ۲۰ درصد این شرکت‌ها با مفاهیم اولیه آن آشنایی دارند. چرا که یک بحث بزرگ و دیجیتال محور است.

سارا کیانی: براساس چیزی که شما فرمودید، حدود ۲۰ سال است که این موضوع به طول انجامید و اکنون در وضعیت فعلی هستیم. بنابراین یک پروسه یک یا دو سال به نظر می‌رسد کافی نیست.

غریب: کشورهای دیگر مانند کره جنوبی که این روند را آغاز کردند حدود ۱۰ سال به

طول انجامید. آن هم با داشتن بسترهای تکنولوژی قوی. ما می‌گوییم هر وقت بحث دیجیتالی شدن به وجود می‌آید، بحث کیفیت و راهبری دیجیتال بسیار اهمیت پیدا می‌کند. سؤال این است که آیا می‌توانیم در بسترهای فعلی خودمان صورت حساب‌های الکترونیکی صادر کنیم و طرفین در بازار کسب‌وکار بروزرسانی کنند؟ ما اکنون استفاده‌کننده ابزارهای دیجیتال هستیم اما این موضوع، بحث تولید و راهبری دیجیتال است. حتی شرکت‌های بزرگ خودمان که از ابزارهای دیجیتال استفاده می‌کنند، چقدر موفق بوده‌اند؟ بسیار محدود هستند. درواقع یا در ابتدای کار هستند یا آنکه بیشتر مدگرا بوده‌اند اما این بحث، موضوع زبدهی دیجیتال است. بنابراین این اتفاقات در پایانه‌های فروشگاهی، یک بحث نوآورانه و در عصر دوم انقلاب

صنعتی چهارم اتفاق می‌افتد. بنابراین سؤال این است که آیا بستر آن در کشور ما وجود دارد؟ آیا حسابداران ما آماده هستند؟ اکنون حدود ۳۰۰ هزار شرکت اظهارنامه مالیاتی ارائه می‌دهند و حدود ۴ تا ۱۰ میلیون مشاغل داریم، آیا این تعداد حسابدار داریم؟

سارا کیانی: به نظرم جامعه حسابداران باید در این زمینه صحبت کنند.

قبول: به نظر می‌رسد که این قانون با یک تسامح و تساهل اجرا می‌شود. یعنی در آمار دیده شده است که بالاخره اجرا می‌شود و فاکتورها صادر می‌شود. این موضوع یک مزیت هم دارد و آن کاهش فساد اقتصادی است. درواقع یک بیگ دیتا ایجاد می‌شود که در آن واحد هزاران فاکتور با قیمت‌های مختلف صادر می‌شود و قیمت

منصفانه برای ما شفاف می‌شود. همچنین شغل مشاور مالیاتی به احتمال زیاد در شرکت‌های کوچک و متوسط حذف خواهد شد. چون همه چیز شفاف و روشن است. البته در زمینه شرکت‌های بزرگ بحث متفاوت و پیچیده می‌شود اما درخصوص سؤال آقای غریب راجع به حسابداری هم توضیح بدهم که دو قسمت اتفاق می‌افتد. ما اکنون هم در شرکت‌ها می‌بینیم شما می‌خواهید حسابدار برای حسابداری حقوق دستمزد استخدام کنید. وقتی مصاحبه می‌کنید، جزء کار کردن با نرم‌افزار چیز دیگری بلد نیست. یعنی حتی معافیت مالیاتی، نحوه محاسبه درآمد مشمول مالیات حقوق را نمی‌داند. چون همه چیز به شکل سامانه‌ای بوده است. حسابداران نیز به دو بخش تقسیم می‌شوند که یکی از آنها حسابداران سامانه‌ای است. درواقع بیشتر دیتا اینتری می‌کنند. حتی افرادی از سایر



هادلونند: به نظرم حسابداران در

موقعیتی قرار دارند که قانون‌گذار و مجری قانون وظیفه انجام کارهای خود را به نوعی به آنها واگذار می‌کند از جمله در بحث قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان. یعنی عملاً توپ در زمینه حسابداران قرار می‌گیرد. مثلاً در بحث همان قانون ارزش افزوده، سازمان مالیاتی اظهار می‌کرد که این وظیفه حسابداران است که باید مالیات ارزش افزوده را دریافت و وظیفه احراز هویت از فردی که از او خرید می‌شود را انجام دهد. در صورتی که اگر زیرساخت

قانون که در قانون سامانه مؤدیان یا ارزش افزوده می‌بینیم فراهم بود، وظیفه احراز هویت فردی که از او خرید می‌کنیم نباید با حسابداران بود. اداره امور مالیاتی وقتی به فردی مجوز می‌دهد، باید بتواند احراز هویت کند. کما اینکه در قانون سامانه مؤدیان این موضوع پیش‌بینی شده و اگر فردی کارپوشه مالیاتی آن فعال باشد، به معنی آن است که فعال است. درخصوص حذف حسابداری نیز باید بگویم که قطعاً شکل حسابداری تغییر خواهد کرد. مدیران مالی ما قطعاً باید به توانایی‌ها و توانمندی‌های مختلفی تجهیز شوند. آقای باقرآبادی اشاره کردند بسیاری از استانداردها از جمله استاندارد ۳۵ بسیار خوب است اما آیا می‌توانیم اجرا کنیم و بسیاری



نزدیک بسیار اهمیت پیدا می‌کند اما در مورد افرادی که در رشته حسابداری هستند، متأسفانه بیشتر در مورد نرم‌افزارها کار می‌کنند و چیزی که من می‌بینم این است که در آینده نزدیک شاید نیازی نباشد که تحصیلات مرتبط داشته باشد و افراد دیگر نیز که کار با نرم‌افزار را بلد باشند، بتوانند کار شرکت‌ها را انجام بدهند. حتی پیش‌بینی من این است که در آینده با توجه به وجود نرم‌افزارهایی مانند راهکاران همکاران سیستم، دیگر نیازی به این تعداد کارمند در شرکت‌ها نباشد. چیزی که من می‌بینم این است که این نرم‌افزارها امکان دارد تا حد زیادی جایگزین بخشی از نیروی کار شوند.

سارا کیانی: خانم هادلونند شما بفرمایید؟

رشته‌ها نیز می‌توانند با یک سری آموزش‌ها این کار را انجام دهند اما یک گروه دیگر از حسابداران، کارشان تخصصی‌تر می‌شود.

سارا کیانی: خانم تفرشی گویا گفته می‌شود که شرکت‌ها دیگر نیاز به مشاور مالیاتی نخواهند داشت درست است؟

تفرشی: اتفاقاً من مخالف این صحبت‌ها هستم. با تمام اراداتی که به آقای دکتر دارم، به نظرم مالیات یک نوع حقوق شهروندی است. مانند تمام کشورهای دیگر حتی یک فرد نیز با اظهارنامه ارائه کند و مالیات بدهد. چون قرار است که مالیات بر عایدی سرمایه داشته باشیم. بنابراین شغل مشاوره مالیاتی حتی بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند و در آینده

استانداردها به دست فراموشی سپرده شده است. چرا؟ چون که کار مدیران و حسابداران ما به نوعی پاسخ دادن به درخواستهای سازمان امور مالیاتی است. یعنی خودش را در این چهارچوب می بیند که من حسابدار یا مدیر مالی خوبی هستم، اگر بتوانم رقم مالیاتم را به ابرازم نزدیک کنم. بنابراین استاندارد و سایر ضوابط به حاشیه می رود. به نوعی شرکتها مالیاتی محور می شوند. اگر قانون راه اندازی سامانه مؤدیان و پایانه های فروشنده به درستی اجرا شود بسیاری از این چالش ها حل می شود. بنابراین درخواستم از آقای غریب این است که توضیح دهند الان برنامه سازمان امور مالیاتی

چیست. آیا واقعاً سازمان امور مالیاتی می تواند آن بلوغی که اشاره کردند را در سطح جامعه فراهم کند؟ چه زیرساختی نیاز دارد؟ آیا باز هم قرار است مؤدیان مالیاتی به بازوی اجرایی سازمان در اجرای این قانون تبدیل شوند. از طرفی قطعاً براساس فرمایش دوستان، مدیریت مالی و حسابداری ما نیز تغییر خواهد کرد. ما اکنون یک سری حسابدار و مدیر مالی داریم که دیتا اینتری می کنند. حتی وظیفه گزارشگری مالی مانند صورت های مالی نیز به نظر می رسد به خوبی انجام نمی شود و بیشتر در قفسه ها قرار می گیرد. در نهایت به نظرم با آمدن این سامانه و انجام برخی فعالیت های

حسابداری مانند صدور اسناد توسط سامانه، نقش حسابدارها بیشتر به یک تحلیل گر تغییر پیدا می کند. یعنی ما باید حسابدارانی را تربیت کنیم که بتوانند در زمینه تحلیل داده و هوش مصنوعی به کمک سازمان ها بیایند. بنابراین نقش دیتا اینتری و فردی که صرفاً کار با سامانه را انجام می دهد، به یک حسابداری تغییر می کند که بتواند تحلیل بکند و با ابزارهای هوش مصنوعی و نرم افزار بتواند به سازمان کمک کند.

سارا کیانی: آقای خادم گویا شما هم نکته ای داشتید؟

حالا من به خاطر اینکه از بحث



مالیاتی پررنگ‌تر می‌شود.

سارا کیانی: آقای غریب شما بفرمایید.

غریب: اینکه موضوع مشاوره مالیاتی از بین می‌رود باید بگویم خیر. بحث مشاوره مالیاتی سنتی صرفاً از بین می‌رود و مشاوران مالیاتی مدرن جای آنها را می‌گیرند. بنابراین سن مشاوران مالیاتی به مثلاً ۳۰ یا ۴۰ سال می‌رسد. در حالی که در گذشته بیشتر تاکید می‌کردند که یک مشاور مالیاتی باید حتماً بالای ۶۰ سال باشد. درخصوص سؤال خانم هادلوند برای زمان اجرایی شدن قانون ارزش افزوده، باید بگویم اجرای این قانون وابسته به یک نهاد نیست. نهادهای مختلفی هستند که باید همکاری و هماهنگی کنند. در همین قانون پایانه‌های فروشگاهی ارگان‌های مختلفی مانند بانک مرکزی، وزارت صمت، گمرک و بسیاری نهادهای دیگر وجود دارند. تمام این سازمان‌ها به نوعی باید پای کار باشند تا قانون اجرایی شود. حال اجرایی کردن این قانون به عهده خود سازمان امور مالیاتی خواهد بود اما شاید چندین سال طول بکشد که این بلوغ به اوج خود برسد.

هادلوند: آقای دکتر غریب عرض بنده در این خصوص این است که سازمان امور مالیاتی معمولاً برای



وکلای این است که به این دعاوی رسیدگی کنند. در حالی که اگر فرهنگ جامعه بهبود پیدا کند و دعاوی کم شود، صرفاً مشاوره می‌گیرند. بنابراین حتی اگر کمی هم نگاه کنیم، به نظرم شغل مشاوره مالیاتی حتی پررنگ‌تر می‌شود و تغییر چهره می‌دهد. بنابراین ما مشاور یا حسابداری می‌خواهیم که قدرت تجزیه و تحلیل بالایی داشته باشد. حتی انطباق بین استاندارد و قوانین آمر را بداند. سامانه مؤدیان اگر راه‌اندازی شود ساختار ما مکانیزه می‌شود و برخی از کارهای فیزیکی حسابداران کم می‌شود و این بسیار خوب است. یعنی ساختار ما مکانیزه شده است و حسابداران بیشتر تحلیل می‌کنند یا مشاور مالیاتی راه حلی می‌دهد که آینده کسب‌وکار به چه شکلی پیش برود. فکر می‌کنم اگر با این دید نگاه کنیم، اهمیت حسابداری

فاصله نگیریم و مخاطبان ما هم دوستان حسابدار و مشاوران مالیاتی هستند، به نظرم به شکل کمی نگاه کنیم که مثلاً حسابداران یا مدیران مالی کم می‌شوند. خیر، ساختار عوض می‌شود. یعنی مشاور مالیاتی تا امروز فردی بود که بیشتر گذشته‌نگر بود. یعنی پرونده‌هایی که به اختلاف می‌خورد و نقشی که مشاوران مالیاتی در تعدیل عدد این پرونده‌ها داشتند مهم بود اما اکنون وظیفه مشاور مالیاتی این است که زیرساخت‌های آینده را براساس قوانین مالیاتی به کسب‌وکارها جهت بدهد. درواقع مشاور مالیاتی از لحاظ وظیفه تغییر شکل می‌دهد. حتی وظیفه حسابداری نیز تغییر می‌کند و بیشتر به وضعیت حال و آینده می‌پردازند. در صورتی که تا الآن این دو شغل بیشتر گذشته‌نگر بودند. مانند زمانی که یک کشور اینقدر درگیر دعاوی است که کار

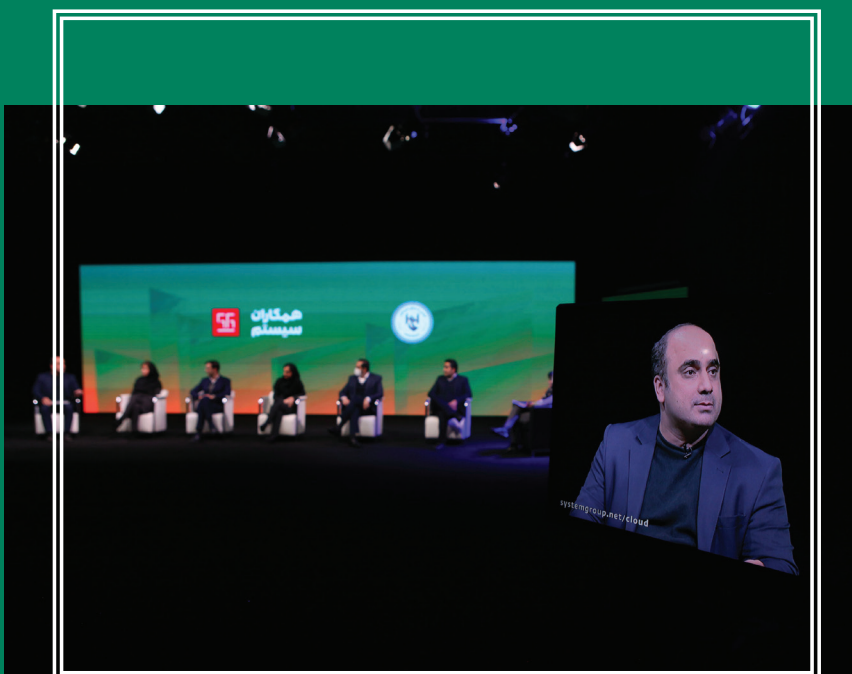
اجرائی کردن یک قانون مؤدیان مالیاتی را به عنوان ابزار اجرائی به کار گرفته است. حتی در جاهایی مانند قانون ارزش افزوده یا ق.م.م و ماده ۱۳۲ آن که باگ قانونی داریم. درواقع زیرساخت قانونی ما فراهم نیست. علی‌رغم اینکه وقتی قانون را می‌خوانیم با خود می‌گوییم که اگر این قانون اجرائی شود چقدر به نفع مؤدیان است. البته من اینجا یک سؤال دارم که در ادامه از شما می‌پرسم اما سؤال من این است که زیرساخت سازمان امور مالیاتی تا چه میزان است، آیا باز هم اجرائی کردن آن بر دوش مؤدیان خواهد افتاد؟ یک مثال کوچک بزنم، برای نمونه در بسیاری مواقع سرورهای سازمان امور مالیاتی پاسخگو نیست. حالا اگر چنین حجم معاملاتی بخواهد رد و بدل شود چه اتفاقی می‌افتد. چرا که بنا است که تمام معاملات کشور در سامانه مؤدیان انجام شود.

غریب: ببینید بنده به زعم و از دید خودم پاسخ می‌دهم؛ وقتی قانون تصویب می‌شود یعنی تجویز شده است که همچنین کاری اتفاق بیفتد. مانند پزشکی که برای شما نسخه‌ای می‌نویسد اما قبل از اینکه چنین تجویزی کند از شما یک توصیف دریافت می‌کند. سپس تشخیص می‌دهد و پیش‌بینی انجام می‌دهد و در نهایت تجویز می‌کند. حال بیاید عاقلانه به این مسئله نگاه کنیم. سازمان امور مالیاتی در این زمینه مجری است. آیا قوانینی که برای

اجرائی شدن تصویب شده، از قبل مسئله وجود زیرساخت‌ها در کشور بررسی شده یا خیر؟ آیا با جوامع حسابداری کشور درخصوص نحوه اجرائی کردن آن مشورت شده است؟ شما مفاهیم نظری گزارشگری حسابداری را بررسی کنید، اولین بحث می‌گوید قانون، مقدم بر استانداردها است. در قانون پایانه‌های فروشگاهی نیز که یک بحث مالیاتی مدرن است، تمام کشورهای دنیا ابتدا با جوامع حسابداری خود جلسه می‌گذارند که نظرات آنها را دریافت کنند. آیا اکنون که بحث اجرائی این قانون است، چرا انجمن حسابداران خبره در این خصوص اظهارنظر نمی‌کند و ورود پیدا نمی‌کند. من به شما قول می‌دهم تعداد بسیار زیادی از افرادی که در جوامع حسابداری هستند، شناخت دقیقی نسبت به

اینکه با اجرائی کردن این قانون چه اتفاقی می‌افتد ندارند. مثلاً چه آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌هایی صادر خواهد شد.

قبول: البته آقای دکتر این فرار رو به جلو است. چرا که سازمان امور مالیاتی در این خصوص خودش متهم ردیف اول است. وقتی بخواهد قانونی تجویز شود، قطعاً نهادهای دولتی بسیاری از جمله رئیس کمیسیون اقتصادی هیئت دولت، سازمان امور مالیاتی و... حضور دارند که نظر بدهند. سؤال این است که این افراد و نهادها کجا بودند که نظر بدهند. برای مثال در همین ماده ۲ قانون پایانه‌های فروشگاهی کشاورزان از پرداخت مالیات معاف شده‌اند. حال فردی که از کشاورز گوجه فرنگی دریافت می‌کند تا رب درست کند، از کجا





فرمودند سال بعد اجرا می‌شود یا خیر؟ ببینید ما مسائل خیلی ساده و پیش پا افتاده را هنوز نتوانسته‌ایم حل کنیم. بنابراین امیدوارم زمان اجرایی کردن هم دستتان آمده باشد.

هادلوند: جالب اینجاست که

قانون سامانه مؤدیان و پایانه‌های فروشگاهی آبان ۹۸ تصویب می‌شود و قرار بوده بعد از ۱۵ ماه اجرا شود و به تعویق افتاده است. اکنون هنوز قانون اجرایی نشده، یعنی از مهرماه فراخوان دادند که شرکت‌های بورسی این قانون را اجرایی کنند. هنوز قانون اجرا نشده لایحه الحاق چند بند به این قانون به مجلس رفته تا اصلاح شود. حتی در این زمینه رأی ابطال دیوان داریم. براساس متن قانون طبق پیشنهاد سازمان امور مالیاتی برخی افراد می‌توانند مستثنی شوند. هیئت وزیران سه گروه را معرفی کرده است که شامل کشاورزان، تولیدکنندگان فرش دستبافت و اشخاص گروه سوم است. این موضوع را اردیبهشت

شمال تهران به متراژ به شما ارث رسیده که کلنگی است اما قیمت بالایی دارد و شما می‌خواهید آنجا زندگی کنید. سر هر سال باید مالیات پرداخت کنید، یعنی باید چند متر از خانه را بفروشید تا مالیات آن را پرداخت کنید.

خادم: اجازه دهید ما یک گام جلوتر برویم و به انجمن‌ها و جوامع حرفه‌ای کاری نداشته باشیم. درخصوص همین استاندارد ۳۵ که فرمودید، سازمان حسابرسی به‌عنوان یک ارگان دولتی تصویب می‌کند، سازمان امور مالیاتی که آن هم دولتی است اجرایی نمی‌کند. یعنی دو سازمان دولتی زبان همدیگر را درک نمی‌کنند. بنابراین نباید از انجمن‌ها و جوامع حرفه‌ای که سازمان مردم نهاد هستند، توقع داشته باشیم. من هم با فرمایشات آقای قبول موافقم و با کمال احترام یک جور فرار رو به جلو با سرعت بالا می‌بینم.

غریب: می‌خواستم در این زمینه پاسخ خانم هادلوند را بدهم که

فاکتور الکترونیکی را از کشاورز دریافت کند؟ این موضوع را نیز هیئت دولت تصویب کرده است. هادلوند: البته ما نمی‌خواهیم موضوع را سازمانی و غیرسازمانی کنیم اما به موجب قانون بهبود محیط کسب‌وکار تمامی مراجع قانون‌گذار مکلف هستند قبل از تصویب یک قانون از مراجعی که درگیر این قانون هستند مانند اتاق بازرگانی یا اصناف نظرخواهی کنند. حال سازمان امور مالیاتی کجا به ما در این خصوص اطلاع داده است.

قبول: ببیند حتی اگر اطلاع دهند و ما نظر بدهیم اهمیتی نمی‌دهند. برای مثال طرح مالیات بر عایدی سرمایه در حال تصویب است. جامعه حسابداران رسمی بیانیه داده که در تمام دنیا در این خصوص تورم را کم کرده، تقسیم بر دو می‌کنند و سپس مالیات می‌گیرند اما اکنون سازمانی امور مالیاتی عزم خود را جزم کرده که این موضوع را اجرایی کند. یعنی شما فرض کنید یک خانه در

ماه تصویب کرده است. در قانون آمده که باید دی ماه این موضوع تصویب شود. دیوان عدالت اداری به استناد خارج از موعد بودن این موضوع را باطل کرده است. یعنی ما یک قانونی داریم که هنوز اجرا نشده اما رأی دیوان بر علیه آن صادر شده، به مجلس یک سری اصلاحات داده ایم.

سرحدی: من میخواستم مقداری سنگ حسابداران را به سینه بزنم. الان آقای دکتر غریب فرمودند که سازمان امور مالیاتی یک سری چالش ها دارد. آقای دکتر باقرآبادی فرمودند که دو سازمان دولتی نمی توانند با هم کار کنند. خوب سازمان های دولتی قدرت بالایی دارند و بنابراین در انتها تمام کاسه کوزه ها سر حسابداران می شکند. تازه حسابدار علاوه بر اینکه باید با حسابرس و سازمان حسابرسی باید سروکار داشته باشد، از یک طرف هم باید با ممیز مالیاتی با سروکار داشته باشد. ضمن اینکه یک کارفرمایی نیز بالا سر خود دارد که زبان هیچ کدام از اینها را متوجه نمی شود. یعنی کارفرما درک مناسبی از استانداردهای حسابداری و مقررات مالیاتی ندارد و در اکثر اوقات منفعت مالی برای آنها مهم است. یعنی همان جمله معروف که من نمی دانم تو چکار می کنی اما باید من مالیات کمتری پرداخت کنم. یعنی در کنار تمام آن استانداردها و موضوعاتش،

حسابداران یک چوب بالا سر به نام کارفرما دارند. بنابراین حسابداران اکنون در موقعیتی قرار دارند که از همه طرف روی آنها فشار است. اگر استانداردهای حسابداری را رعایت نکنند، در گزارش حسابرسی دچار مشکل می شود. اگر قوانین مالیاتی را رعایت نکنند، طبیعی است که جریمه می شود. اگر هر دو مورد اینها را رعایت کند در نهایت مبلغ مالیات بالاتر می رود و کارفرما شاکی می شود. شکل کار حسابداری تغییر می کند که دوستان اشاره کردند اما من سؤال دارم که من حسابدار اکنون بین این سه گروه گیر افتادم و باید چکار کنیم؟ هر کدام از این گروه ها یک چیز می گویند و با هم به اتفاق نظر نمی رسند و به من حسابدار هم می گویند که تو کار بلد نیستی. ما در همین سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بارها و بارها درخصوص یک سری موضوعات خیلی جزئی تغییر رویه داشتیم. از

جمله بحث دو هفتم و هفت هفتم، بحث معافیت حق مسکن و مزایای مربوط به شاغل که نمی دانم آخر این موضوعات چه شد. حالا سؤال این است که ما حسابداران چه کاری باید انجام دهیم. بنده با چند شرکت کار می کنم، فروردین ماه اعلام کردند که حق مسکن مشمول شده است. سپس خرداد نامه آمد که غیرمشمول شده است. دوباره شهریور ماه گفتند که مشمول شده است. طبیعی است که شرکت ها نمی دانند که این تغییرات و تحولات چقدر سریع است. بنابراین به ما می گویند که شما بلد نیستید. چالش مالیاتی ما اکنون این موضوعات است. اکنون ما جامعه حسابداران باید چکار کنیم، آیا باید شخصا به دعاوی بین سازمان های دولتی ورود پیدا کنیم؟ آیا در یک گوشه بشینیم و هر فردی هر چه گفت اجرا کنیم؟





همکاران سیستم



باقر آبادی: واقعیت این است که محیط ما بسیار پویا شده است. در نقطه عطف تاریخی قرار داریم و مثل اوایل دهه هشتاد هستیم. تا اوایل دهه هشتاد حسابداران همه شرکت‌ها معروف بودند به اینکه شکم گنده، سر کم مو، سیگار و عینک دارند. می‌نشستند کار مالی می‌کردند و بعضاً سمت هم داشتند از جمله مدیر یا سرپرست مالی بودند. اوایل دهه هشتاد که استانداردهای حسابداری آمد آن موقع نیز در یک مقیاس کوچک‌تر با این موضوع برخورد کردند. می‌گفتند سازمان حسابرسی یک استاندارد داده که باید رعایت کنیم و کارفرما از این موضوع هیچ

اطلاعی ندارد و نمی‌دانستند چه باید کنند. یک عده از حسابداران در این موقع دست روی دست گذاشتند و نمی‌دانستند چه کنند. این عده به مرور از بازار حذف شدند. یعنی اگر معاون مالی اداری بودند به بایگان تبدیل شدند یا بازنشستگی پیش از موعد گرفتند اما یک عده از آنها نیز با این تغییرات همراه شدند و قیمت خود را بالا بردند. ما اکنون در چنین موقعیتی قرار داریم. اکنون انگار انقلابی در زمینه استانداردهای حسابداری رخ داده است. چرا که به نوعی از اول آن را ایجاد کرده‌ایم. محیط مالی ما در حال تغییر است. حال در این محیط یا من

حسابدار می‌نشینم خودم را سرزنش می‌کنم. در این حالت ممکن است تبدیل به یک اپراتور یا بایگان شوم یا حتی از رده خارج شوم. یا اینکه با این تغییرات همراه می‌شوم و یاد می‌گیرم چالش‌ها را مدیریت کنم. تلاش می‌کنم که یک هم‌افزایی را در محیط ایجاد کنم و قیمت خود را بالا ببرم. یعنی اگر من حسابداری باشم که در این فضای پرچالش بتوانم این سه بخش را مدیریت کنم، قیمت خود را بالا می‌برم. پس این نقطه عطف من است که یا ما حسابداران از آن استفاده می‌کنیم و اوج می‌گیریم یا باعث حذف ما می‌شود. اینجا چه کنم جواب کار نیست. در

نهایت موقعیت پیش می‌رود و این همگرایی رخ می‌دهد. اکنون شان نزول این میزگرد همین است که بتوانیم حرف خود را بزنیم و به گوش بقیه تصمیم‌گیران برسانیم. اما هیچ وقت به مدینه فاضله نمی‌رسیم. بلکه حرکت می‌کنیم، به‌روز می‌شویم و از آن هم استفاده می‌کنیم.

سرحدی: پس شما می‌فرمایید به بن بست نرسیده‌ایم.

باقرآبادی: بله

هادلونند: آقای سرحدی من از شما سؤال می‌پرسم که ما در کجای کشورمان اکنون در تمامی حوزه‌ها، کجا ثبات داریم که در حرفه حسابداری شاهد آن باشیم. من صحبت‌های آقای باقرآبادی را در یک بیت خلاصه می‌کنم. می‌گوید به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل، اگر مراد نیابم، به قدر وسع بکوشم. دور هم هستیم که به قدر هم بکوشیم تا شرایط را بهبود ببخشیم.

سارا کیانی: آقای قبول سؤالات بخش دوم را با شما شروع می‌کنیم. لطفاً درخصوص نقاط ضعف و کاستی‌های مربوط به قانون صادرات و واردات صحبت کنید؟

قبول: اولین ضعف خود تغییر

قوانین است. یعنی می‌توان یک کتاب از مجموع تغییرات مقررات می‌توان نوشت. مثلاً امروز ارزش افزوده آب مجازی ۹ درصد، عوارض آن یک درصد می‌شود و به همین مبنا سایر قوانین مرتبط با آن مدام تغییر می‌کند. به نظرم بزرگ‌ترین چالش خود همین تغییرات است. بنابراین اگر روندی را در پیش بگیریم که این تغییرات مداوم کمتر شود، بسیار کمک خواهد کرد. عرض کردم اکنون در حوزه فروش خدمات به خارج از کشور، در زمینه انتقال ارز مشکل داریم. مثلاً شرکت صادرات خدمات دارد اما نمی‌تواند ارز آن را انتقال دهد. یا مثلاً در برخی مواقع خدمتی را از خارج دریافت می‌کنند تا در ایران براساس آن خدمت دیگری ارائه دهند. این موارد اساساً در قانون

پیش‌بینی نشده و هر کدام یک چالش هستند. همچنین در مورد همین قانون رفع تعهد ارزی که مربوط به صادرات است. در این خصوص واقعیت با رویه قانونی کاملاً متفاوت است. صادرکننده ارز را از میدان فردوسی به شکل غیرقانونی می‌خرد و حواله غیررسمی را صادر کرده و ارز از کشور خارج، طرف خارجی نیز کالا را صادر می‌کند. در گمرک، می‌گویند ارز را از کجا آوردید. در اینجا صادرکننده یک واردکننده پیدا می‌کند و به او می‌گوید ارز خود را به صادرکننده بفروشد تا بگوید ارز را از او گرفته است. این منابع پولی گاهی دو بار در حساب‌ها رد و بدل می‌شود. یعنی یک بار واقعاً پول داده و یک بار برای اینکه چالش قانونی نداشته



باشد انجام می‌دهد. این موارد چیزهای مشخصی هستند اما وزارت صمت برای آن هیچ رویه قانونی ندیده است. چرا که حوزه مالیاتی در این مورد چندان دخیل نیست و صرفاً در سامانه مشاهده می‌کند که آیا مالیات به آن تعلق دارد یا خیر. در مثال دیگری، چند سال قبل پسته گران شد و به کیلویی ۶۰ هزار تومان رسید. آن زمان صادرات پسته ممنوع شد. آن زمان صادرکنندگان می‌گفتند ما در آن کشورها مشتری داریم و سالیان سال در آنجا کار بازاریابی کردیم و نمی‌توان ممنوع کرد. چرا که مشتری ما را کشور دیگری می‌گیرد. بنابراین می‌گفتند بهتر است واردات کنیم. این عدم ثبات در مقررات بزرگ‌ترین چالش حسابداران در این زمینه است. سپس به صحبت آقای سرحدی می‌رسیم. در این مواقع کارفرمایان انتظار دارند که حسابدار درخصوص این رویه‌های پیچیده معجزه کند. همانطور که آقای خادم گفتند امروزه ما باید بودجه مالیاتی داشته باشیم و بدانیم که برنامه ما چیست. ضرب‌المثلی است که می‌گویند اول چاه بکن بعد مناره بدزد. حالا در این زمینه نیز اگر واقعاً به دنبال صادرات هستیم باید برای انتقالات ارزی آن برنامه داشته باشیم. مثلاً از قبل با واردکننده یک توافقنامه امضا کرد تا پول را به حساب هم انتقال بدهند و قانونی شود. ما بارها شاهد

بودیم که صادرکننده درهم را به شکل فیزیکی به ایران وارد می‌کند و حواله می‌دهد. سپس باز به یک واردکننده پرداخت می‌کند که او نیز ارز را به خارج از کشور می‌برد. در حالی که این معاملات می‌تواند در سامانه نیما و سنا انجام شود. این پیچیدگی‌ها همگی چالش‌هایی را برای حسابداران به وجود می‌آوردند که کار تنظیم اسناد را سخت می‌کند.

هادلونند: ما در یک حوزه صادرات با یک چالش عمده مالیاتی مواجه هستیم و آن این است که در رویه اجرایی بعضی از ادارات مالیاتی مابه‌التفاوت ارزیاب گمرک را با کوتاژ صادراتی به‌عنوان درآمد کتمان شده به درآمد مؤدی اضافه

می‌کند. برای نمونه اداره امور مالیاتی می‌گوید ارزیابی گمرک شما ۱۰۰۰ دلار بوده و کوتاژ آن ۷۰۰ دلار، در نتیجه ۳۰۰ دلار جزء درآمد کتمان شده است. در صورتی که بحث ارزیابی گمرک اساساً نمی‌تواند مبنای تشخیصی در این زمینه باشد اما در رویه اجرایی بسیار این موضوع را می‌بینیم. من خواهش دارم از انجمن حسابداران خبره که این موضوع را پیگیری کنند و برخی دوستان در شورای عالی مالیاتی حضور دارند و بهتر است این را پیگیری کنند.

غریب: در این زمینه بخشنامه تسعیر ارز داریم.

قبول: این موضوع بخشنامه دارد و به صراحت رئیس سازمان نوشته





آیین نامه مربوطه آن قانونی است. **خادم:** در سنوات اخیر سطح آموزش کارکنان براساس مرتبط بودن رشته افزایش پیدا کرده و جای خوشحالی دارد و موردی که فرمودید در بخشنامه وجود دارد اما یک نکته وجود دارد که برخی مواقع حسابداران این را اشتباه می گیرند. یک بحث نرخ تسعیر داریم که مابین ارزیاب گمرک و دفاتر که همان نرخ استاندارد ۱۶ است. یکی هم مربوط به وزن محموله است. وزن یعنی کتمان. یعنی اگر من یک سرم بچ ۴۰ تایی دادم و در گمرک پروانه من ۵۰ عدد باشد، یعنی کتمان و شکی در آن نیست. درخصوص نرخ در دستورالعمل آمده که ملاک نرخ در دسترس مؤدی است که همراه با اسناد و مدارک ارائه

کند اما بعضاً کارکنان امور مالیاتی آن درصد بانک مرکزی را در نظر می گیرد. ما در این زمینه چالش مالیاتی زیادی با سازمان داریم و خواهش آقای دکتر غریب شما می توانید پیگیری کنید.

غریب: اتفاقاً در این خصوص هم بخشنامه وجود دارد. تمام موارد بخشنامه وجود دارد و به شفاف توضیح داده شده است. همیشه هم اگر مشکلی پیش بیاید مراجع حل اختلاف مالیاتی و دادرسی وجود دارند که رسیدگی کنند.

هادلوند: جالب اینجا است موضوع در شورای گفتگوی استان مورد بحث قرار گرفته است. یعنی اداره امور مالیاتی در رویه اجرایی قبول ندارد و می گوید این درآمد ارزیابی گمرک به استناد ماده ۲۱۹

براساس ماده ۱۴ و ۱۶ ارزیابی گمرک ملاک شناسایی نیست اما رویه اجرایی چالش ما حسابداران است. امروزه دانش مالیاتی حسابداران بر دانش مالیاتی کارکنان امور مالیاتی برتری دارد. البته سوء تفاهم پیش نیاید. بنده این را به شکل موردی و با اغماض می گویم. بنابراین بهتر است یک دوره آموزشی در این زمینه داشته باشند.

هادلوند: یکی دیگر از چالش ها این است که درصد رفع تعهد را به جای بررسی در سامانه خود سازمان، از طریق سامانه بانک مرکزی مشاهده می کنند. در صورتی که اگر اشتباه نکنم چنانچه حدود ۷۰ درصد برگشت ارز اتفاق افتاده باشد، صادرکننده می تواند از معافیت مالیاتی استفاده

می‌شود اما تفاوت نرخ ارزیاب کتمان نیست. کتمان رأی شورا دارد و مشخص است. هیئت‌ها نیز به آن واقف هستند اما در اجرا ممکن است با برخی چالش‌ها مواجه شود و خوب اجرایی نشود. این موضوع را کاملاً قبول دارم اما خود استاندارد اشکالی ندارد. به نظرم مهم‌ترین چالشی که در سنوات اخیر درگیر آن هستیم قوانین بالا دستی است. یعنی قوانین آمره‌ای که وجود دارد. از قانون حمایت از معلولین، قانون بودجه، مصواب هیئت وزیران و سایر گرفته که در سالیان اخیر حتی خود دوستان مشاور مالیاتی را نیز درگیر کرده است. یعنی در سنوات اخیر اینقدر قوانین مالیاتی داریم که اشراف و ابهام در اینها چالش ایجاد کرده است. اینقدر قوانین زیاد شده که به نظر من اگر فردی به جای کتاب ق.م.م، کتابی برای سایر قوانین بزند، بیشتر متقاضی دارد. خصوصاً اینکه با ابهامات متعدّد همراه است. چون مراجع تصویب آنها نیز تخصصی نیستند.

سرحدی: در تکمیل فرمایشات آقای خادمی ق.م.م ۲۸۲ ماده دارد که برخی ز آنها نیز حذف شده است. حدود ۵۰ الی ۶۰ ماده این قانون تحت تأثیر قوانین بالا دستی است. یعنی مثلاً در ماده ۸۵ ق.م.م نرخ مالیات حقوق را گفته اما از سال ۹۶ اجرایی نشده و هر سال در قانون بودجه می‌آید. این موضوع برای سایر قوانین مانند قانون رفع

موانع تولید نیز وجود دارد.

غریب: البته زیاد سخت نگیرید، طبق بررسی‌های من حدود چند هزار بخشنامه وجود دارد. البته آمریکا نیز حدود ۷۰ هزار صفحه قوانین مالیاتی دارد که همه آنها در سیستم است. ضمن اینکه همه آنها ساده است.

هادلونند: اکنون درخصوص صادرات کالاهای خام معدنی و نیمه معدنی که در قانون بودجه آمده و فهرستی که باید ارائه شود، واقعاً بسیاری از شرکت‌ها را با چالش مواجه کرده است. از جمله اینکه با تأخیر اعلام شده

است. همچنین بسیاری از کالاها می‌تواند مشمول معافیت باشد اما جزو کالاهای خام و نیمه خام آمده است. بنابراین ما در حوزه صادرات چالش مالیاتی زیادی داریم.

سرحدی: در بحث دادرسی یک نکته وجود دارد. همانطور که در این بحث هزینه‌های دادرسی را باید از طرف محکوم بگیریم، واقعاً در قانون مالیات‌ها نیز باید همین رویه باشد. هر چند در ماده ۲۵۰ این موضوع وجود دارد اما ما هیچ وقت نمی‌بینیم. همچنین در قانون مجازات اسلامی یا منشور اداری دولتی این موضوع پیش‌بینی شده اما چندان اجرا نمی‌شود.



به‌جز زمین مشمول مشوّق است. نکته دیگر این است که شرکت‌های حمل‌ونقلی می‌توانند از مشوّق سرمایه‌گذاری مجدد استفاده کنند. فارغ از مشوّقی که برنامه ششم توسعه داریم. این مشوّق تاکنون نبوده است.

سارا کیانی: خانم هادلوند به نظر شما اساسی‌ترین تغییرات قانون ارزش افزوده چیست که حسابداران باید به آن توجه کنند؟



هادلوند: مهم‌ترین تغییر که چالش قبلی حسابداران نیز بود بحث تاریخ تعلق مالیات بود که در قانون قبل چندین تاریخ وجود دارد. تاریخ معامله، تاریخ ما به از و تاریخ بهره‌برداری و سایر تاریخ‌ها. تمام اینها به‌ویژه در شرکت‌های پیمانکاری ایجاد مشکل کرده بود. چرا که اینها به شکل صورت وضعیتی کار می‌کردند. حال باید صورت وضعیت را ارسال می‌کردند تا مراحل طی شده و کارفرما وجه را پرداخت کند. دو تغییر عمده داشتیم. اولاً تعلق مالیات تاریخ صدور صورت حساب شده و تاریخ لحاظ شدن بدهی مالیاتی، تاریخ تسویه ثمن معامله در نظر گرفته شده است. یعنی معامله به هر شکلی باشد، تاریخ تعلق مالیات تاریخ صدور صورت حساب است. بحث معاملات غیر نقد و نحوه تسویه این معاملات اضافه شده

تولیدی در مناطق ویژه اقتصادی یا شهرک‌های صنعتی باشد، مدت پنج سال به ۷ سال و ۱۰ سال به ۱۳ سال اضافه می‌شود. حال برای سرمایه‌گذاری مجدد هم مشوّق می‌گذارند. البته سرمایه‌گذاری باید به بخش سرمایه رفته باشد. نه آنکه به‌عنوان مطالبات باشد. یعنی من سهامدار باید پول بیارم و این پول در بخش سرمایه و سهام ثبت شده باشد. ضمن اینکه نباید کاهش سرمایه نیز داد. در این صورت باز هم مشوّق می‌دهند. فوق‌العاده مشوّق خوبی است اما متأسفانه بیشتر شرکت‌ها استفاده نمی‌کنند. در حالی که آیین‌نامه اجرایی دارد. اگر من سرمایه‌گذار قصد سرمایه‌گذاری دارم، ابتدا باید مجوز سرمایه‌گذاری بگیرم. در غیر این صورت تمام مراحل را هم طی کنید، باز هم معافیتی در کار نیست. برای تولیدی‌ها و معدنی‌ها

در بسیاری مواقع به خاطر یک موضوع ساده شرکت‌ها جریمه می‌شوند و باید هزینه‌های زیادی بابت گرفتن مشاوره مالیاتی بدهند. این هزینه را باید ممیز مالیاتی پرداخت کند.

سارا کیانی: آقای خادم شما در قسمت اول برنامه در مورد ماده ۱۳۲ ق.م.م صحبت کردیم. حال سؤال این است که اگر سرمایه‌گذاری مجدد انجام بدهند، بابت آن مشوّق دریافت می‌کنند؟

خادم: دقت کنیم که اینها نرخ صفر هستند نه معافیت مالیاتی. یعنی اگر من حسابدار یک روز دیرتر دفاتر را پلمپ کنم، نرخ صفر برداشته می‌شود. بنابراین بسیار مهم است. یک مشوّق مازاد هم وجود دارد. اگر واحد

است. من در اینجا موضوع را به آقای غریب ارجاع می‌دهم که ببینیم در سامانه مؤدیان با این موضوع به چه شکل برخورد می‌شود. در قانون آمده زمانی که شما معامله‌ای را غیرنقد انجام می‌دهید هنگام صدور صورت حساب می‌توانید انتخاب کنید که این معامله غیرنقد است. یعنی این امکان را برای من فروشنده فراهم کرده است. انتخاب معامله به شکل غیرنقدی به این معنی است که باید دریافت پرداخت‌های مربوط به این معامله را در سامانه مشخص کرد. یکی از چالش‌های ایجاد شده برای حسابداران همین موضوع است. اولاً که اگر بحث نقد و غیر نقد را انتخاب نکنید، معامله به شکل پیش فرض نقد محسوب می‌شود. اگر هم غیرنقد بزنم به زمان پرداخت سهم معامله موکول می‌شود و در این زمان قسم ارزش افزوده آن در بدهی مالیاتی قرار می‌گیرد. در این قانون اشاره شده که اگر شما معامله را غیر نقد انتخاب کردید و به تاریخ ثمن معامله به شما پرداخت شد، این دریافت و پرداخت باید در سامانه مؤدیان ثبت شود. اگر اینطور باشد، باید هم خرید و فروش‌های حسابداران در سامانه ثبت شود و هم بحث مرتبط با دریافت و پرداخت‌های نقدی باید منعکس شود. سؤال این است که رویه اجرایی این به چه شکل است که فکر کنم آقای غریب بتوانند

صحبت کنند. ضمن اینکه باز یک محدودیت قائل شده نسبت به اینکه دریافت و پرداخت هم به غیر از صورت حساب که باید به تایید طرف مقابل برسد، باید به تایید طرف مقابل برسد.

غریب: بله این موضوع درست است. سازمان مالیاتی طبق اسناد و اقلام اطلاعاتی صورت حسابی که منتشر کرده، یکی از آیتم‌هایی که مشخص کرده بحث پرداخت نقدی و غیرنقدی است. این موضوع هنگام ارسال اطلاعات مربوط به صورت حساب به سامانه مؤدیان مشخص می‌شود. یعنی هنگام ارسال اطلاعات صورت حساب باید مشخص کرد که مثلاً اگر نسخه پرداخت شده، مبلغ آن چقدر است. اقلام اطلاعاتی مربوط به نسخه که به سازمان ارسال می‌شود در بحث کارپوشه مؤدیان دو بخش وجود دارد که یک بخش اقلام اطلاعاتی

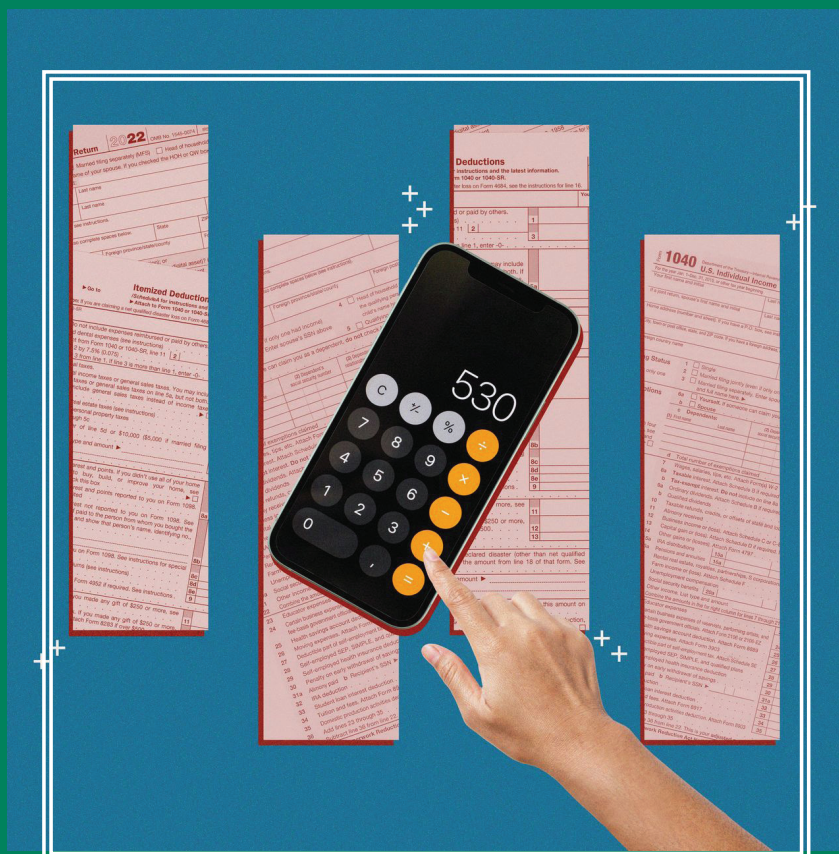
مربوط به فاکتور صورت حساب الکترونیکی است. بخش دیگر مربوط به پرداخت ثمن معامله است. در صورت نقدی بودن آیکنی ظاهر نمی‌شود اما در صورت غیرنقدی بودن در قلم اطلاعاتی پرداخت ثمن معامله در بخش نسخه ثبت می‌شود. یعنی هم کاربر سامانه مؤدیان باید قبول کند که این صورت حساب را قبول دارد یا خیر. هم باید مشخص کند که این پرداخت نسخه بوده است یا خیر. چون می‌تواند آن را رد کند. اگر نسخه باشد اعتباری به آن تعلق نمی‌گیرد. پس هر دو قلم دو آیتمی هستند که به شکل مجزا اتفاق می‌افتد. بعد از انجام پرداخت، طرفین می‌توانند باید باز هم تایید کنند که این پرداخت انجام شده است. در غیر این صورت یا در کارتابل آنها باقی می‌ماند یا به هیئت‌های حل اختلاف می‌رود. فعلاً سامانه در حدی است که خیلی معمولی طراحی شده



رویکردشان باید به سمت خدمات مالی و مالیاتی برود.

سارا کیانی: خانم تفرشی به نظر شما مهم‌ترین مواد قانونی که در فرایند دادرسی مالیاتی باید مورد توجه قرار بگیرد چیست؟

تفرشی: نقطه آغاز به کار زمانی است که دوستان مالیاتی برگه تشخیص را صادر می‌کنند. از آن زمان مؤدی می‌تواند ظرف ۳۰ روز آن را قبول کرده یا نکند. در زمان مغایرات برگه تشخیص با چیزی که خود شرکت مدنظر دارد، نقطه شروع فرایند دادرسی است. همانطور که قبلاً صحبت شد اولین ماده آن ۲۳۸ است که با رئیس سازمان مالیاتی به توافق می‌رسد که آیا نقطه مشترکی بین مؤدی و ممیز وجود دارد یا خیر. اگر به توافق برسند همان جا پرونده مختومه می‌شود. در غیر این صورت فرایند دادرسی شروع می‌شود و باید وارد هیئت های بدوی شوند. در این هیئت‌ها پرونده بررسی و اگر مؤدی باز به رأی اعتراض کند. پرونده می‌تواند وارد هیئت حل اختلاف مالیاتی شود. بعد از آن رأی به شکل قطعی صادر می‌شود اما باز دست مؤدی باز است که هم به دیوان شکایت کند و هم به شورای عالی مالیاتی شکایت کند. همچنین ماده ۲۵۱ مکرر نیز وجود دارد



پرداخت‌شان. پس اینجا نقش شرکت‌های نرم افزاری بسیار پررنگ می‌شود. بله؟

غریب: اساساً در اینجا شرکت‌های نرم‌افزاری به نوعی بنیان‌گذار هستند و تبدیل به الگو می‌شوند. به همین دلیل است که می‌گوییم برافکن اتفاق افتاده است. البته این شرکت‌ها بیشتر از خدمات مالیاتی و حسابداری گریزان هستند اما ناخودآگاه این موضوع که اتفاق می‌افتد به آنها محول می‌شود. یعنی اینگونه نیست که بگویند ما صرفاً خدمات زیرساخت فنی و نرم افزاری می‌دهیم. چرا که دیگر

و در آینده به تمام سامانه های پرداخت بانکی کشور چه به شکل نقدی و غیرنقدی متصل می‌شود تا تایید شود معاملات به شکل شفاف باشد. در مباحث مالی در دنیا مطرح می‌شود که زمانی یک صورت حساب قابل تایید است که پرداخت آن نیز اتفاق افتاده باشد. بنابراین تا زمانی که به شکل تعهدی است هنوز آن معامله شک برانگیز است.

هادلونند: پس من اینطور برداشت می‌کنم که در آینده حسابداران در قبال سامانه مؤدیان دو وظیفه دارند. یک ارسال صورت حساب ها، تایید آنها و بحث دریافت و

که می‌تواند به آن مراجعه کند. ماده ۲۱۹ و آیین‌نامه اجرایی آن بسیار مهم است و مؤدیان باید روی این قسمت اشراف داشته باشند. موادی که در رابطه با این دادرسی مالیاتی است از ماده ۲۳۸ تا ۲۵۱ مکرر ق.م.م است.

هادلونند: یک چالش مهم ما در حوزه دادرسی داریم. تا قبل از اصلاحیه قانون دائمی ارزش افزوده یکی از مواردی که بعضاً جای اختلاف نظر در هیئت‌ها بود این بود که طرح موضوع جدید در هیئت تجدید نظر از نظر سازمان امکان پذیر نبود اما به استناد رأی دیوان می‌گفتیم که دیوان در این

خصوص رأی مثبت داده است. اکنون بحثی که وجود دارد در دادرسی جدید در نمی‌توان در مرحله بدوی یا تجدید نظر مورد جدیدی به لایحه اضافه کنید. این اکنون چالش است و ما در زمینه تراکنش بانکی آن را دیدیم. بخشنامه‌ای آمد که مصادیق تراکنش های مالیاتی را مشخص کرد. در این بخشنامه به فاصله یک سال بسیاری از مصادیق عوض شد. برای نمونه بحث ۱۵ میلیون تومان عوض شد. در اینجا چالش وجود دارد.

خادم: این چالش خوبی است اما فکر نکنم که هیئت‌ها این را اجرا کنند. یک رأی شورای عالی مالیاتی

وجود دارد که در هر مرحله‌ای شما مستندات داشته باشید می‌توانید آن را مطرح کنید. آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۳۸ بود که کمک به مؤدی بود. یعنی شما با یک اعتراض کوچک می‌توانید تمام موارد را پوشش دهید.

باقرآبادی: به‌عنوان جمع‌بندی می‌خواهم به تمام حسابداران عزیز این موضوع را بگویم که دنیای جدید پیش روی ما انکارناپذیر است. نشستن و گلایه کردن کاری از پیش نمی‌برد. پس بهتر است از این فضای پیش رو به‌عنوان یک فرصت نگاه کنیم. اگر ما به دانش مالیاتی مسلط شویم می‌توانیم سهم بیشتری داشته باشیم.

